

عطر تو در باران

محمد همایون



همایون، محمد، ۱۳۵۸ -

عطر تو در باران / محمد همایون. -- تهران: الیاس، ۱۳۸۳.

۹۲ ص.

ISBN: 964-94837-9-9 ریال: ۱۲۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴. الف. عنوان.

ع ۸۴۳/۶۲۱ فا ۸

PIR ۸۳۱۳ / م ۳ ع ۶

۱۳۸۳

م ۸۳ - ۴۰۶۸۹

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: عطر تو در باران

سروده: محمد همایون

توبت چاپ و تاریخ: اول بهار ۸۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه آرایی: شهیر

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

چاپ: معراج

طرح جلد: نوید رحمانی

تقاشی: الهام زارع

عکس جلد: رؤیا قیلم

شابک: ۹۶۴ - ۹۴۸۳۷ - ۹ - ۹

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

انتشارات الیاس - تلفاکس: ۶۹۵۵۸۷۸ - ۶۴۰۵۰۸۴ - همراه: ۰۹۱۲۳۷۸۷۴۷۸

آدرس: خیابان انقلاب - نیش ۱۲ فروردین - پلاک ۱۴۴۴

پست الکترونیکی: Email: moh.homayun22@yahoo.com

هرگونه برداشت، تصویر، نمایش و موسیقیایی از این اثر بدون اجازه کتبی از مؤلف قدغن است.

بنام خدا

ترانه‌های همه را خواندم، با ترانه زندگی کردم، نفس کشیدم، طراوت را احساس کردم، در خلوت شبها این ترانه بود که مرا با خود می‌برد، حرفهای همه را شنیدم برایم تازگی نداشت، این یک حس تازه نبود، همه سطرهای ترانه‌هایشان را می‌شنوم و با آنها زندگی می‌کنم اما از آنها نمی‌گویم با خبرم، شاید این چندان به مزاق خوش نیاید، من اهل همین آب و خاکم، همین جا، همین نزدیکیها و به تو نزدیکم من برای تو می‌نویسم تو که می‌خوانی، من به گل به درخت به باران عشق می‌ورزم و به احساس پرنده ایمان دارم من صدای پاییز را می‌شنوم این همان منطقه مشترک بین من و شماست شما که می‌خوانید و من که می‌نویسم. من شاید حرف دل تو را می‌نویسم فرق نمی‌کند اهل کجای این خاک هستی همین نزدیکیها یا دورتر یکی از همین شهرهای اطراف یا روستایی دینی از دور دستها، تو اهل هر کجا که باشی با منی و من برای تو می‌نویسم من تو را می‌بینم تو اهل سرزمین من هستی، مثل تو دریا را دوست دارم و وسعت آبی آسمان را. خانم نزدیک دریا نیست شمالی را هم دیدم اما جنوب را بیشتر دوست دارم دریای جنوب را دوست دارم و خلیج مان را در جنوب غوغایی ست فارس خانه من است همه شهرهایش شهر دنیاست خاطره‌هایش را فراموش نمی‌کنم اینجا ایران است اینجا خانه من است اینجا خانه تو است تو که اهل هر کجای این خانه هستی. تو را می‌شناسم خانهات هر جا هست دور است یا نزدیک من برای تو می‌نویسم تو که می‌خوانی تو که اهل هر کجای این سرزمینی و دلت خانه عشق است. سخت است شاید هم نه ولی ترجیح می‌دادم در این مورد چیزی ننویسم اما نشد، و شاید حالا دیگر می‌خواهم بنویسم چون همین طور است. برای من اسم ترانه زیباست و مقدس، صدای تو زیباترین صداست، تو با صدای خودت ترانه را بخوان و بشنو این همان ترانه‌ایست که تو را به

دریا می‌رساند. اصلاً این ترانه مال توست. شاید گفتن شعرهایی که به صورت ترانه باشد قبل از ساختن ملودی سخت باشد اما نمی‌گویم سخت است چون این همان حرفهای ساده خودم و خودت است.

از ترانه گفتم از یک دوست بگویم اولین بار او ترانه من را خواند و گفت خوب است و این آغاز راه بود اگه چه از آغاز راه خیلی گذشته بود حتی همین حرفها را هم او می‌خواست بنویسد اما نشد خب دیگر مسائل کاری حرفها نیست اما این دوست با من است و کوچه‌های پاییز را دوست دارد، باران را هم دوست دارد، او اهل ترانه است و ترانه‌هایش از جنس باران. من می‌دانم که او نقاب به صورت نمی‌زند از روی نوشته هم حرف نمی‌زند، اینها حرف دل است من ترانه‌هایش را می‌شنوم.

موسیقی را دوست دارم بیش از هر چیز دیگر این هنر برای من گرانقدر است؛ از همراهی احساس و افکار سرچشمه می‌گیرد، این هنر تأثیر است، خودت را بیشتر احساس می‌کنی و به خودت نزدیکتر می‌شوی. من صدا را دوست دارم، همه را می‌شنوم صدایی که دیگر نیست اما هست و صدایی که هست، در این صدا واژه‌ها سهیم اند و وقتی معیار سنجش و شاید همیشه همه را قدر می‌دانم و آنهم را که می‌نویسند و با کارهای منسجم خود هنر ترانه را طراوت دادند، آنها که حالا هر کدام به گوشه دنیا هستند آنها که حالا اینجا نیستند اما هستند و اینها که هستند همه را می‌شناسم.

از آغاز گفتم اگر چه از آغاز خیلی گذشته بود از پرواز واژه نگفتم که واژه‌ها را بارای همراهی نبود. آریایی را ذهن من از رویای پاییز دزدید و رویایی من را به ذهن فراموشی سالهایی که گذشت برد، رویای دور را بر صفحه سفید کاغذ آوردم و تکرار کردم و این همان بهانه حضور واژه بود و حالا دیگر تو بودی...

محمد رسول همایون

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳۲	غزل گریه		دفتر اول - عطر تو در باران
۳۳	بی کتاهی	۹	آریایی
۳۴	دختر شامیریون	۱۱	اولین مسافر
۳۵	مسافر کویر	۱۲	شب تنهایی
۳۷	خورشید خانم	۱۴	ترانه تو
۳۸	بوی بارون	۱۵	ترانه خون
۳۹	شهر من	۱۷	قایقی در ساحل
۴۰	حسرت هوای خونه	۱۸	شب کویری
۴۱	عشق باقی	۱۹	پشت قاب پنجره
۴۲	با تو	۲۰	قاصدک
۴۴	مردی از تبار خورشید	۲۱	پونه
۴۵	باد مشرقی		قصه هزارویک شب خسته شدم بسکه
۴۶	غزل ساز	۲۲	دلیم
۴۷	گل افتاده	۲۳	دو پنجره
۴۹	بندر	۲۵	مسافر
۵۱	خواب و بیدار	۲۶	طلسم
۵۲	نوبت عاشقی	۲۷	پرنده
۵۳	پرسه	۲۸	چراغ خونه
۵۴	دریای آبی	۲۹	تابلو
۵۵	آبی	۳۱	سایه

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۷۰	میر غضب	۵۶	تواکه با من می موندی
۷۱	هدیه من به قلب تو	۵۷	غریبه
۷۲	فقط خودم؛ فقط خودت	۵۸	نگو خدا حافظ
	دفتر دوم - وقتی که بارون می یومد	۵۹	عسل خانوم
۷۷	یادش بخیر	۶۰	دلخواسته ها
۸۰	مدرسه روستای ما	۶۱	بگو
۸۳	یادت می یاد	۶۲	تو رفتی و پرنده رفت
۸۵	وقتی که بارون می اومد	۶۳	بهار من
۸۷	خیل مشب بازی	۶۴	دل قحطی
۸۹	عصر ماشینی	۶۵	شهر خاکستری شب
		۶۷	آسمونای نیلی رنگ
		۶۸	